



هزینه پرواز بالگردها

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر درباره سوءاستفاده‌های عجیب از خدمات بالگردی این سازمان و نحوه قانونی اعزام بالگردها توضیح داد. بابک محمودی در این باره گفت: «مصرف سوخت بالگردهای ما دو، سه برابر بالگردهای کوچک است و ساعتی ۱۰۰۰ لیتر مصرف می‌کنند. سال گذشته ما ۱۰۰ ساعت پرواز کردیم و ۲۰ میلیارد تومان فقط پول این پروازها شده است، به همین دلیل نمی‌توان با هر مشکل کوچکی بالگرد اعزام کنیم.» او ادامه داد: «سال گذشته یک کوهنورد ژاپنی به ارتفاعات ماموند آمده بود و در ارتفاع نزدیک پنج هزار متری حالش بد شده بود و مردم با ما تماس گرفتند و هلیکوپتر ما برای بردن آن مصدوم به بیمارستان اعزام شد، اما هر چه نیروهای امدادی اصرار می‌کردند، این توریست سواز هلیکوپتر نمی‌شد تا اینکه متوجه شدیم این فرد تصور می‌کرده، باید برای هلیکوپتر پولی پرداخت کند و چون این پول را نداشت، از سوار شدن امتناع می‌کرد تا اینکه به او گفته شد که همه خدمات امدادی ما رایگان است در حالی که این توریست عنوان کرد، تمام این خدمات در سایر کشورها پولی است و کوهنوردان باید خود را بیمه کنند.»



تغییر ارز تأمین واکسن HPV

مدیرکل امور دارو و مواد تحت کنترل سازمان غذا و دارو درباره تأمین واکسن HPV و تقاضا برای نوع ۹ ظرفیتی آن، گفته است با ارزیابی که انجام دادیم، اجازه واردات برند وارداتی این واکسن با «ارز اشخاص» و بدون هیچ ارز دولتی به اندازه کافی را داده ایم و شرکت مربوطه نیز در این باره اقدام کرده است. به گزارش ایسنا، اکبر عبداللهی اصل درباره تقاضا برای واکسن HPV به‌ویژه نوع ۹ ظرفیتی آن و در عین حال توزیع محدود این واکسن در داروخانه‌ها گفت: «تولید داخلی «پاپیلوما واکسن» (چهار ظرفیتی) از سوی دو شرکت، قبل از عید وارد بازار شده است و نوع دوظرفیتی آن نیز قبلاً در داخل کشور وجود داشت. در مجموع اکنون نوع داخلی در دسترس است.» او درباره تأمین واکسن گارداسیل ادامه داد: «اما اصراری که روی برند معروف وارداتی هست، باعث می‌شود که مردم به آن استقبال بیشتری داشته باشند. در این باره نیز باید گفت که تاکنون این واکسن ارز مبادلاتی می‌گرفته، یعنی ارز ترجیحی نمی‌گرفت.»



۷۹ درصد سد زاینده‌رود خالی است

مدیر بهره‌برداری و نگهداری از سد زاینده‌رود با اشاره به این که ۷۹ درصد سد زاینده‌رود خالی است، گفته است که ذخیره آب در مخزن سد زاینده‌رود به ۲۵۶ میلیون مترمکعب رسیده است. موسوی‌نایینی در این باره گفت: «میانگین حجم ذخیره آب در مخزن سد زاینده‌رود در مقایسه با میانگین بلندمدت ۶۷ درصد کاهش پیدا کرده است. حجم سد زاینده‌رود در سال جاری در رتبه ۵۲ در ۵۵ سال گذشته است. میزان پر بودن سد در حال حاضر به ۲۱ درصد رسیده است که در مدت‌زمان مشابه ۲۶ درصد بود. با توجه به شرایط آبی لازم است تمام ذی‌نفعان بخش آب بهره‌مند از سد زاینده‌رود، حداکثر تلاش را برای مدیریت بهتر مصرف آب به‌کار گیرند.»

استراحت را پیش‌پیش انجام دهند و دوبار کار کنند تا پول و بیمه آن یک هفته استراحت را در بیاورند. مسئول ایمنی باید صبح‌صبح به‌صورت ورود داخل تونل و با دستگاه گازسنج، وضعیت را بررسی کند، اما دوست گیلکی‌ها تعریف می‌کند که هیچ‌کس آن را رعایت نمی‌کند و مسئول ایمنی هم اگر باشد، فقط به‌اسم است، حضورش تاثیری ندارد. گاهی ممکن است همان مسئول ایمنی در جای دیگری هم مشغول به‌کار باشد. «جان کارگر در ایران خیلی ارزان است. زغال باشد، کارگر را می‌خواهند چه کار؟ اداره کار کجا بود؟ بازرس بیمه‌ای که از خود کارگر سوال نکند، به‌درد نمی‌خورد. می‌آیند آنجا، غذای شان را می‌خورند و بعد می‌روند. آنجا فقط حرف پیمانکار و رئیس شنیده می‌شود و کسی کارگر را حساب نمی‌کند. رئیس، فرماندار، بخشدار و بقیه آمدند و عکس‌های‌شان را گرفتند و رفتند. همه معادن تجهیزات دارند، اما فقط به اسم. خود ما تهویه گذاشته‌ایم، اما کاری انجام نمی‌دهد. باید کارهایی برای‌شان انجام شود که نخواهد، اما چون هزینه‌اش بالاست، هیچ معدنی آن را انجام نمی‌دهد. جان کارگر آنقدر ارزان است که برای‌شان مهم نیست چند کارگر می‌میرد. بیمه‌اند دیگر، فوق‌اش کارشان دو، سه ماه بخوابد و بعد دوباره شروع به‌کار می‌کنند.»

▼ هنوز چیزی روشن نیست، بررسی می‌شود

روز سه‌شنبه تیم‌هایی از سازمان‌های مختلف دولتی برای بررسی علت حادثه به معادن مهماندنویه می‌روند و وزیر صمت و نمایندگان آن از اداره کار استان هم همراه‌شان می‌شوند. بعد از بازدید از معدن، نشستی درباره همین حادثه در فرمانداری تشکیل می‌شود و استاندار، سمنان و چند مسئول دیگر در همین نشست حاضر می‌شوند. خبرگزاری‌های رسمی که خبر این نشست را اعلام کردند، از اخبار یک‌ماهه‌ای نوشته‌اند که اواخر بهمن‌ماه سال گذشته و بعد از نظارت فنی پایان سال، به بهره‌برداری ابلاغ شده بود. سیل دستورها بعد از حادثه روانه شد، مثل وزیر صمت که دستور داد کارشناس‌ها به منطقه اعزام شوند، وزیر کشور که به استاندار سمنان دستور امدادسانی ویژه داده بود، وزیر کار و تعاون و رفاه اجتماعی که دستور بررسی تخصصی ابیات حادثه را داد و رئیس جمهوری که دستور کمک به خانواده‌های معدنکاران را صادر کرد.

حالا علی نورانی، مدیرکل تعاون، کار و رفاه استان سمنان گفته‌هایی که درباره نشست گاز یا کمبود اکسیژن بود را تأیید نمی‌کند و علت حادثه را به نتیجه بررسی‌ها و اعلام علت فوت از طرف پزشکی قانونی متوکول می‌کند: «علت این اتفاق چندوجهی است، مباحث کارشناسی در دست بررسی است و ابتدا باید پزشکی قانونی علت وقوع فوت را بررسی کند. تا زمانی که اعلام نشود، هیچ‌کس نمی‌تواند علت این اتفاق را اعلام کند. آنجا یک معدن تعطیل بود و معدن استخراج هم نبوده است که بتوان گفت کاری آنجا جریان داشته است. فعالیت‌ها هنوز شروع نشده و دلیل ورود کارگران باید بررسی شود. قبل از شروع فعالیت یک معدن متوقف، پروتکل‌های خاصی وجود دارد. فعالیت دوباره معادن باید با تدابیر مختلف و چند سطحی ایمنی شروع شود. اینکه این پروتکل‌ها در این معدن اجرا شده یا خیر هم در دست بررسی است.» چهارشنبه عصر، کلاته رودبار و آزادشهر گلستان تصویری از تشییع چهار پیکر می‌بیند که از پای کوه‌ها، نزدیک مهماندنویه دامغان به شهرستان برگشته‌اند، اما کسی نمی‌داند آن سه کارگر افغانستانی کی و کجا به خاک سپرده می‌شوند؟

دستمزد هایشان هم تنازای حساب می‌شود و در آخر به‌ازای استخراج یک میزان تناز مشخص، دستمزد می‌گیرند. با این شیوه از کار که بین معدن‌های خصوصی هم مرسوم است، کارگرها بین ۲۰ تا ۲۴ میلیون در ماه دریافتی دارند. اگر نیروها شرکتی کار کنند، روز مزد حقوق می‌گیرند و نه تعطیلی دارند، نه مرخصی. یکی از دوستان گیلکی‌ها که برای کمک خودش را به معدن رسانده بود، تعریف می‌کند که با حدود ۱۵ سال سابقه، بیمه‌اش ۱۰ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رد می‌شود و اگر با ۲۵ سال کار بازنشسته شود، شاید حدود ۱۲ میلیون تومان حقوق بگیرد، چون «معادن شخصی‌اند به این شکل بیمه را رد می‌کنند. آنهایی که دولتی و نیمه‌دولتی‌اند همان حقوق را به‌عنوان بیمه رد می‌کنند و گاهی هم بیمه‌ها را نصف‌و‌نیمه رد می‌کنند. آنجا بازرس نبوده که بگوید چرا بیمه این کارگر به این شکل رد شده است؟ حقوق‌ها را هم نقدی می‌داد، مدرکی نداشتیم که علیه‌آنها استفاده کنیم. کل کارگرها همینطوری کار می‌کنند. در معدنی که من کار می‌کنم حدود ۴۰-۳۰ کارگر کار می‌کنند که سال قبل ماهی ۱۲ میلیون تومان دریافتی داشتند؛ چون روزمزد بودند، نه عیدی داشتند، نه مرخصی و نه پاداش. بیشتر بچه‌ها که دست و پایشان می‌شکند با همان حال سرکار می‌آیند، چون استراحت پزشکی هم اگر بگیرند، چیزی دست‌شان را نمی‌گیرد. بچه‌ها دارند مفت کار می‌کنند؛ چون مجبورند.» او کارگری را می‌شناسد که با ۲۷ سال کار در معدن، ۱۲ میلیون تومان دریافتی دارد. خودش از هفت صبح تا ۹ شب کار می‌کند، به‌جای آن شش ساعت و ۲۵ دقیقه‌ای که به‌صورت قانونی موظف است کار کند. «کدام معدنکاری می‌تواند پنج سال از بازنشتگی اش استفاده کند؟ تازه بعد از آن، شروع بیماری هاست. بیمه درست در زمانی هم نداریم. با کمترین کارگر، بیشترین تولید را دارند. ما ۱۰۰ کارگریم، دو هزار تن زغال تولید می‌کنیم.»

کارگرهای مهماندنویه هم شیفتی کار می‌کنند؛ یک گروه می‌رود، یک گروه دیگری می‌آید و تعداد کارگرهای مهاجر هم مشخص نیست. اتراق کارگرهای منطقه هم اطراف همان معدن هاست، کارفرما وعده ناهار را برای‌شان تأمین می‌کند و باقی برعهده کارگر است. «آنجا چند معدن فعال است، بدون این که یک آمبولانس و دکتر آنجا باشد. درحالی که موظفند این‌ها را تهیه کنند، کارگر آسیب‌دیده را تا برسانند به دامغان یا شاهرود که مرده است. دو سال پیش یک کارگر حادثه دید و تا به بیمارستان برسد، مرد.»

معدن‌های خصوصی منطقه کم‌نیستند و تعداد زیادی کارگر مهاجر افغانستانی هم با کمترین حقوق در آنها مشغول به‌کارند؛ چون مجوز کار ندارند. کامیون‌هایشان مدام از جاده بالا و پایین می‌روند، وارد زغالشویی می‌شوند و دوباره برمی‌گردند به معدن‌ها. یکی از کارگران معدن «پایین مهماندنویه که با گیلکی‌ها همشهری است، می‌گوید: «اکلون معدن را استاندار داد کار نکرده‌اند. کارگر که مقصر نیست، آنها ۱۵-۱۰ سال سابقه دارند، به این راحتی که دچار گازگرفتگی نمی‌شوند. همه بچه‌ها در سال کلاس ایمنی می‌روند. آنجا یک دستگاه تهویه اکسیژن هوا نداشتند است. ما هم اگر چیزی بگوییم، می‌گویند می‌خواهی صدایت را بالا ببری، از فردا دیگر نیا، ما هم مجبوریم سکوت کنیم. چرا توئلی که پنج، شش ماه تعطیل بوده، می‌خواستند افتتاح کنند؟ حالا که فوت کرده‌اند، کسی نیست به پدر و مادرها و خانواده‌هایشان خبری برساند.» کارگرهای معدن، هفتگی به شهرهایشان برمی‌گردند و یک هفته در خانه می‌مانند، اما اگر کارگر روزمزد و کنتراتی باشند، باید کارهای آن یک‌هفته

او از گازگرفتگی کارگرها گفته بود، انطور که حسین درخشان، مدیرعامل جمعیت هلال احمر سمنان، روز اول حادثه اعلام کرد که معدن آلوده به گاز است و احتمال خفگی وجود دارد. سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی استان هم همین نظر را اعلام کرده و از غلظت بالای گاز در محیط معدن گفته بود، روایت‌هایی که با گفته امدادگران و فرماندار دامغان کمی تفاوت دارد. فرماندار دامغان و سرپرست معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری سمنان، از کمبود اکسیژن در این معدن گفته بودند، این که پیمانکار هم بدون اطلاع کارفرما، برای بررسی وضعیت وارد تونل شده و نداشتن امکانات و تجهیزات کافی در این حادثه به روشنی دیده می‌شد. کنار پیچ‌های تند مسیری که به معدن مهماندنویه می‌رسد، تپه‌های زغال باطله نشست‌اند؛ لکه‌هایی سیاه که هرروز بزرگ و بزرگتر می‌شوند و رنگ خاکی تپه‌های اطراف مهماندنوست و مهماندنویه و طرزه و رانگ سیاه‌تر می‌کنند. مشرف به تپه‌ها که باید، خاک‌های تپه شده زغال را بیشتر می‌بینی که همین چند سال پیش باران آنها را شست و برد داخل باغ‌های «مهماندنوست». این تپه‌های سیاه را کامیون‌های معدن‌های اطراف ساخته‌اند، کنار کارخانه‌های زغالشویی که لابه‌لای تپه‌های مسیر سر برآورده‌اند. همان زمان که نیروهای امداد و نجات به دنبال بیرون کشیدن پیکرها بودند، اهالی روستای مهماندنویه از تردد مداوم خودروها می‌فهمند که در معدن اتفاقی افتاده است و خاطره معدن طرزه دوباره برای‌شان زنده می‌شود، برای آنها که بسیاری از هم‌روستایی‌هایشان در این معدن‌ها کار کرده‌اند. «من که معدن کار نمی‌کنم، می‌دانم که اگر حادثه‌ای در معدن رخ دهد، چه اتفاقاتی بعدش رخ می‌دهد. آنها می‌خواهند هزینه‌ها را پایین بیاورند که از یک نفر به اندازه سفنر کار می‌کشند. می‌دانند قبل از این که نیروها وارد معدن متوقف‌شده شوند، باید با یک فن بزرگ و برزنت‌های لوله‌ای، اکسیژن را تأمین کنند.» این را یکی از اهالی مهماندنویه تعریف می‌کند که از روز قبل، همه خبرها را دنبال کرده است، روستایی که نیروهای زیادی به معدن‌های اطراف -به‌غیر از همین معدن کوچک فرستاده است و همه به یاد می‌آوردند که معدن با کارگر چه می‌کند. تفاله‌های باقی‌مانده از زغالشویی‌های داخل مسیر که جابه‌جا روی تپه‌های اطراف خوابیده، متعلق به معادن خصوصی و نیمه‌دولتی و دولتی اطراف است و شاید تا چندسال دیگر، همه این تپه‌ها زیر تفاله‌های زغال سنگ دفن شوند. جاده زیر چرخ‌های کامیون‌های لب به لب شده از زغال، جابه‌جا تخریب شده است و آن مسیر پیچ‌درپیچ را برای رفت‌وآمد سخت‌تر کرده است. تصویرهایی که آن هفت کارگر، صبح ۱۸ فروردین‌ماه برای آخرین دیده‌اند.

آقای کارگر، عضو شورای روستای مهماندنویه است که بعد از شنیدن خبر، خودش را دم در معدن رساند. او هم شنیده بود که کارگرهای معدن بعد از یک وقفه طولانی، بدون بررسی کردن شرایط وارد آن شده‌اند. «شب قبل از این حادثه، پیمانکار موتور برق را با خودش آورده بود که کار را از صبح فردا شروع کنند.» او شنیده بود این سه نفر که با کمک همان ریل‌های معدن در حال پایین‌رفتن بودند، ناگهان سُرمی خورند و پایین می‌روند. «اکسیژن هم کم بوده و دچار تنگی نفس می‌شوند و شلنگ هوا و کپسول اکسیژن هم مشاهده نشده است. انگار گازسنج زده بودند و گاز متان نداشته است، فقط اکسیژن نداشته است.»

هیچ کارگری از روستای مهماندنویه به آن نزدیک‌تر است، در این معدن کار نمی‌کند؛ مهدی و هانی گیلکی، اهل روستای فارسایان آزادشهر گلستان بودند، شکاری و سعید حسنی -دایی و برادرزاده- اهل روستای کلاته رودبار بودند و طلاحسین ابراهیمی، مجتبی اکبری و علی ابراهیمی، اهل افغانستان.

▼ گیلکی‌ها با خاطره زمستان یورت آمده بودند

هانی و مهدی گیلکی‌ای از یک خانواده بودند، هر دو پیکورچی معدن. هانی یک دختر شش، هفت ساله داشت، حدوداً ۳۰-۲۵ سالش بود و مهدی هم ۲۵ سال داشت. یک نفر از اعضای خانواده گیلکی‌ها که در معدن طیس کار می‌کرد، بعد از شنیدن این خبر قلب‌اش از کار ایستاد و حالا خانواده به عزای سفنر نشسته است.

مقداد، یکی از اعضای خانواده آنهاست؛ او هم شنیده که میزان اکسیژن معدن پایین بوده و کارگرها نفس کم آورده‌اند. روایتی مشابه با کسانی که روز حادثه، خودشان را به معدن رسانده‌اند. «بعد از این که تا ظهر از کارگرها خبری نمی‌شود، پیمانکار و خواهرزاده اش دنبال آنها می‌روند و آنها هم اکسیژن کم می‌آوردند. در معادن مادر، خودنجات به‌زور پیدا می‌شود، چه برسند به معادن شخصی. وقتی خبر را شنیدیم، فکر کردیم مربوط به معدن طرزه است، بعد فهمیدیم مربوط به مهماندنویه است و خودمان را به آنجا رساندیم. کارگرانی که آنجا کار می‌کردند خبر دادند آنها یا خودشان خودنجات نداشتند.»

گیلکی‌ها اهل فارسایان استان گلستان بودند؛ اهل آزادشهر، شهر «زمستان یورت»: «پیکرها را روز چهارشنبه، بعد از این که بررسی‌های پزشکی قانونی تمام شد، برای دفن به آزادشهر منتقل می‌کنند.» مقدار هم کارگر یکی از معادن اطراف روزمزد است. «پیمانکار کار را کنتراتی گرفته بود و این طوری دیگر دستمزد‌ها مثل کارگرهای روزمزد نیست. هر چی بدهند برای خودشان است، به همین دلیل معادن خصوصی را بیشتر قبول دارند. این معدن‌های خصوصی اطراف هم تعطیل‌اند یا نیمه‌کاره و امکانات اولیه ندارند.»

کنار مقدار و آقای کارگر، بقیه همشهری‌ها و کارگرهای معادن دیگر هم برای کمک رفته بودند، اما اجازه داده نشد که به معدن نزدیک شوند. نگران بودند زمستان یورت تکرار شود که ۲۳ نفر از بیرون معدن آمده بودند و جان‌شان از دست رفت. پیمانکارها و کارگرهای معدن مهماندنویه کنتراتی کار می‌کنند،

شرکت پتروشیمی پترو

گروه سرباز، و خدمات‌دهنده انرژی

شرکت پتروشیمی ایلام

آگهی فراخوان شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران

موضوع مناقصه: مشاور جهت بهینه‌سازی مصرف سوخت شرکت پتروشیمی ایلام

شماره مناقصه: ILPC-T-03-016

شرکت پتروشیمی ایلام به استناد مجوز صادره از کمیسیون معاملات، در نظر دارد مطابق مشخصات درج‌شده در اسناد مناقصه، مشاور جهت بهینه‌سازی مصرف سوخت شرکت پتروشیمی ایلام از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی انجام نماید.

لذا بدینوسیله از شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد در صورت تمایل به شرکت در این مناقصه، از تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۷ به تارنمای شرکت پتروشیمی ایلام به نشانی www.ilampetro.com بخش کمیسیون معاملات زیر بخش مناقصات مراجعه و نسبت به دریافت اسناد ارزیابی کیفی اقدام و حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ پاکت ارزیابی کیفی را صرفاً در قالب فلش مموری یا CD به صورت فیزیکی به یکی از دو آرس ذیل تحویل دهند.

- تهران، میدان شیخ بهایی، پلاک ۱۸، ساختمان رایان ونک، طبقه هفتم، واحد ۷۰۱- واحد کمیسیون معاملات
- ایلام، چوار، نرسیده به روستای آبزا، مجتمع پتروشیمی ایلام، دبیرخانه کمیسیون معاملات

میزان تضمین شرکت در مناقصه پس از ارزیابی کیفی مناقصه‌گران اعلام خواهد شد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه آمده است. در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر، مناقصه‌گران می‌توانند با شماره همراه ۰۹۹۱۲۰۵۳۷۵۶ یا شماره تلفن: ۰۸۴-۳۸۳۹۰۰۰۰ داخلی ۴۲۱۵-۲۲۱۳ تماس حاصل فرمایند.

آدرس: ایلام، چوار، نرسیده به روستای آبزا، مجتمع پتروشیمی ایلام

تارنمای شرکت: www.ilampetro.com بخش کمیسیون معاملات / زیربخش مناقصات

- تلفن: ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸
- فکس: ۰۸۴۳۲۷۲۳۹۴۸
- کدپستی: ۶۹۳۶۱۵۹۷۰۰